



نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

◀ دکتر سیدجواد امام جمعه زاده ▶
استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

◀ مقدمه

دین مبین اسلام و ادامه آن پس از اسلام و با تأثیرپذیری از جهان بینی اسلامی مورد اشاره قرار خواهد گرفت و گسترده‌گی زمینه‌های مختلف آن تبیین خواهد شد. آنگاه نقش این نهاد در جامعه از سه رویکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به طور نسبتاً مبسوط تشریح می‌شود و در پایان، مطالب مطروحه جمع‌بندی، و نتیجه‌گیری خواهد شد.

□ تبیین نهاد وقف

وقف در لغت به معنی ایستادن و پایداری، واصطلاحاً حبس کردن عین ملک یا مالی است که منافع آن در امور عام‌المنفعه مصرف شود که قاموس قرآن از آن به «حبس العین و تسبیل المنفعة» تعبیر کرده است.^۱ در برخی متون نیز «حبس الاصل و اطلاق المنفعة» آورده شده است.^۲ حسن بن یوسف حلی معروف به علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) در کتاب تبصرة المتعلمین می‌گوید وقف آن است که اصل مال را نگهدارند و تا هست منافع آن را در راه خیر مصرف کنند^۳ و می‌دانیم خیر کار نیکی است که به سامان فرد و اجتماع کمک کند. عده‌ای این تعریف را منبعت از حدیثی می‌دانند که از نبی اکرم (ص)

بسیاری از معضلاتی که در زمینه‌های مختلف گریبانگیر مردم یک جامعه است تنها به وسیله دولت و دستگاه‌های اجرایی قابل حل نبوده و مشارکت و معاضدت خود مردم است که معضلات را از سر راه رشد و توسعه آن جامعه بر خواهد داشت. وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آنها به کار بست. این نهاد با وجود برخوردار بودن از قدمت زیاد آنطور که شایسته است فراگیر نشده و نقش آن در ابعاد گوناگون تا حدودی مکتوم و مستور مانده است. امید آنکه این نوشتار بتواند به بخشی از ثمرات و اثرات این حرکت خداپسندانه و مردم‌گرایانه در عرصه‌های مختلف بپردازد و نقش آن را در جامعه تبیین نماید. ما در این مقاله نقش نهاد وقف را در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از تعریف واژه وقف با استناد به متون معتبر علمی و فقهی، ویژگی‌های وقف و انواع آن را برمی‌شماریم و به ذکر شرایط چهارگانه وقف می‌پردازیم. سپس پیشینه نهاد وقف و وجود آن قبل از

۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱۷، ص ۲۳۶.
۲. حلی (معروف به محقق حلی)، ابوالقاسم، المختصر النافع، ص ۱۵۶.
۳. همو، تبصرة المتعلمین، ص ۴۵۳.



۴. فیض، علی‌رضا، «وقف و انگیزه‌های آن»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۴، ص ۳۵.

۵. در کشور مراکش به وزارت اوقاف، وزارت حبوس و امور اسلامی گفته می‌شود (فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ص ۵۳).

۶. آکسفورد در معنای وقف (endowment) می‌نویسد:

to give a permanent income to (a person, institution, etc.)

۷. حلی، ابوالقاسم، همان.

۸. العاصمی (شهید ثانی)، زمین‌الدین، شرح اللعنة الدمشقیه، ج ۳، ص ۱۶۳.

۹. جناتی، محمدابراهیم، «وقف از دیدگاه مسیانی اسلامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۵، ص ۴۹.

۱۰. سلیمی‌فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن، ص ۳۷.

۱۱. حلی، ابوالقاسم، همان، ص ۱۵۶.

۱۲. فیض، علی‌رضا، «وقف و انگیزه‌های آن»، فصل‌نامه میراث جاویدان.

۱۳. سلیمی‌فر، مصطفی، همان، ص ۵۲.

۱۴. «و اذا یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم»

۱۴. سلیمی‌فر، مصطفی، همان.

۱۵. شیروانی، رضا، «وقف در میان ملت‌های جهان و مذاهب اسلامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۵، ص ۶۹.

۱۶. سالک، محمدتقی، «سخنی درباره وقف»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۲، ص ۴۱.

درآمدها و هزینه‌کردن منافع موقوفات، وقف یا به صورت عامه است که سرپرستی آن از اختیارات دولت اسلامی می‌باشد و یا به صورت خاصه است که واقف به هنگام وقف، فرد مشخصی را به عنوان موقوف‌علیه تعیین می‌نماید.^۱

محقق حلی چهار شرط را برای وقف ذکر می‌کند: ۱. دوام: وقف باید ابدی باشد و نه موقت. ۲. تنجیز: وقف نباید معلق و مشروط باشد. ۳. اقباض: به تصرف دادن یعنی مسلط کردن موقوف‌علیه - متولی یا حاکم شرع - بر موقوفه و برداشتن تسلط واقف از آن؛ ۴. از خود بیرون‌کردن یعنی بر خود وقف‌نکردن.^{۱۱} چرا که وقف در حق غیر، صحیح است. البته در مورد شرط اول برخی از فقها همچون سید محمود کاظم یزدی (۱۲۴۷-۱۳۲۸ق) در کتاب العروة الوثقی وقف موقت و منقطع را نیز جایز می‌دانند.^{۱۲}

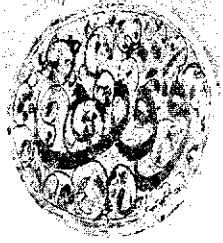
شایان ذکر است که نهاد وقف به دین مبین اسلام اختصاص ندارد و در میان فرق دیگر ادیان و شرایع نیز رواج داشته است. اوقاف حضرت ابراهیم (ع) که تا امروز نیز باقی مانده، خود بهترین دلیل است که وقف قبل از اسلام نیز وجود داشته^{۱۳} و شاید آیه ۱۲۷ سوره بقره تلویحاً همین امر را متذکر می‌گردد.^{۱۴} محمدحسن نجفی (متوفای ۱۲۶۶ق) صاحب جواهر در اثر بی‌بدیل خود که بعضی آن را دایرةالمعارف فقه شیعه نامیدند وجود وقف در میان زرتشتیان را خاطر نشان کرده است.^{۱۴} امام خمینی (ره) هم در کتاب البیع نهاد وقف را یک امر عقلایی دانسته‌اند که میان پیروان تمام ادیان و چه بسا غیر پیروان ادیان نیز مرسوم بوده است.^{۱۵} در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخ‌پوستان امریکای جنوبی نیز این سنت وجود داشته که موقوفاتی را برای پرستشگاه‌ها و کلیساها اختصاص می‌داده‌اند. در مصر باستان، یونان، چین، هند، ژاپن، روم و فلسطین قبل از اسلام موقوفاتی بوده که از درآمد آنها برای جریان کار معابد، صومعه‌ها و پرستشگاه‌ها و بازسازی و بهسازی آنها و نیز گذران زندگی اسقف‌ها، برهمن‌ها و کاهن‌ها و ارائه خدمات لازم به برخی از دانش‌آموزان مدارس بهره می‌گرفته‌اند.^{۱۶}

در جواهرالکلام نقل شده که فرمود «حقیس الاصل و سبیل المنفعة».^{۱۷}

از ویژگی‌های اموال و دارایی‌ها قابل نقل و انتقال بودن آنهاست که یا به طور اختیاری به وسیله خرید و فروش صورت می‌گیرد و یا با عوامل غیراختیاری مثل ارث عملی می‌گردد. قانون وقف این ویژگی نقل و انتقال را از موقوفه سلب می‌کند و از این رو وقف به حبس^{۱۵} تعریف می‌شود. یعنی اصل مال می‌ماند و منفعت آن جابه‌جا و منتقل، و مردم از منافع آن بهره‌مند می‌شوند و این همان معنای حدیث نبوی است.

چیزی که وقف را از سایر نهادهای مالی اسلام متمایز می‌سازد ماندگاری اصل موقوفه است که حتی از معنای لغوی وقف نیز برداشت می‌شود. فرهنگ‌نامه آکسفورد هم، به دوام و همیشگی بودن وقف اشاره دارد.^{۱۶} از لحاظ فقهی هم، چنانچه برای مالی گفته شود تا مدتی در مورد مشخصی صرف شود آنگاه به خود شخص بازگردد اگر چه صحیح است اما دیگر وقف نیست زیرا ثبات و دوام آن خدشه دار شده است.^{۱۷} اگر از وقف به «صدقه جاریه» نیز یاد می‌شود مراد صدقه‌ای است که مستمراً ادامه دارد به طوری که اصل آن ثابت و منافعش در جریان است. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمود «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث، صدقة جاریه او علم ینتفع به او ولد صالح یدعوه له بخیر» یعنی غیر از علم و فرزند شایسته، صدقه جاریه یا وقف نیز یکی از سه خصلتی است که پس از مرگ برای انسان (واقف) می‌ماند و ظاهر این شعر سعدی هم که:

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار
برگرفته از همین فرموده است. وقف را از نظر کسب منافع و عواید می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: الف. وقف انتفاع که مقصود از آن تحصیل درآمد مادی نیست مانند احداث مسجد، حسینیه، پل، جاده... که همواره با عوارض خارجی مثبت^{۱۸} همراه است. ب. وقف منفعت که به منظور کسب درآمد مادی صورت می‌گیرد تا در موارد مشخصی هزینه گردد مانند اینکه مغازه‌ای وقف شود تا از عواید آن بتوان مدرسه‌ای را اداره کرد.^{۱۹} از لحاظ سرپرستی در خصوص برداشت



به این ترتیب مشخص می‌شود که نهاد وقف در ادوار پیشین نیز وجود داشته و پس از اسلام با تأثیرپذیری از جهان‌بینی اسلامی به صورت استوار و جهت‌دار مطرح می‌شود و همچون چشمه‌سار غیرخواهی خداپسندانه و مردم‌گرایانه به جریان خود ادامه می‌دهد و علی‌رغم اینکه در دوره‌های مختلف خلفا و شاهان دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده، در زمینه‌های گوناگون گسترش می‌یابد. شگفت‌زده می‌شویم وقتی می‌شنویم که جریان پرشتاب خیراندیشی مردمی در بستری که دین اسلام و مذهب شیعه فراهم کرده بود به قدری گسترش می‌یابد که در دوران شاه سلطان حسین صفوی دیگر جایی برای وقف نبوده و حتی همزیستی مسالمت‌آمیز با ارامنه و کلیمیان این شور همگانی را به میان پیروان دیگر ادیان نیز کشانده بود^{۱۷}. نگاهی به موارد وقف نشان می‌دهد که علاوه بر کارهای بزرگ همچون ایجاد کارخانه‌ها، راه‌ها، پل‌ها، مدارس و مساجد، مواردی نظیر تهیه دانه پرنندگان آزاد در روزهای برفی زمستان را نیز در برمی‌گرفته است که این از بلندی اندیشه واقفان نیک‌اندیش حکایت دارد که اندیشه خیرخواهانه خود را در بستر زمان در قالب‌های متنوع خرد و کلان لباس تحقق پوشانده‌اند. ما در این جا از سه رویکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به تشریح نقش این نهاد در جامعه می‌پردازیم امید آنکه بتواند ابعاد مختلف این سنت حسنه را روشن‌تر کند.

□ رویکرد اجتماعی

سنت حسنه وقف یکی از مصادیق بارز احسان و غیرخواهی است که انسان با بهره‌گیری از تعالیم انبیا آن را از دیرباز بنیان نهاده و در صحنه حیات اجتماعی به ودیعت گذاشته است. روحیه تعاون اجتماعی و سبقت در خیرات در نهاد وقف عینیت می‌یابد و به عمل واقف مهر ابدیت می‌زند. در وقف دو بعد خوددوستی و نوع‌دوستی انسان به منصفه ظهور می‌رسد. یکی از هنرهای اسلام به منظور نفوذ بیشتر کلامش در انسان استفاده از خوددوستی (حب نفس) است که در آیات مختلف خطاب به انسان عنوان می‌کند که اگر خودت را دوست داری به انجام واجبات و کارهای نیک و ترک محرمات همت گمار. در وقف نیز از بعد خوددوستی

انسان استفاده کرده و عضویت در این نهاد را راهی می‌داند که در آن نام انسان و مالکیت اموال و داری‌های او تا ابد تضمین می‌شود و در مواردی که مدنظر دارد عایدات آن به مصرف می‌رسد.

وقتی انسانی ببیند که فردی مثلاً هفتصد سال قبل چیزی را وقف کرده که مطابق نظر واقف انتفاعی را چه مادی و چه معنوی به مردم می‌رساند و در حال حاضر هم از او به نیکی یاد می‌شود این احساس برای او پیش می‌آید که راهی وجود دارد که انسان می‌تواند عمر خود را بسیار طولانی کند و به قول سعدی مرد نکونام شود. اصولاً اسلام احترام خاصی برای مسلمان قایل شده و به او حق قانونگذاری داده به طوری که او با تنظیم یک وقف‌نامه می‌تواند قوانین و مقرراتی را وضع کند، موقوفه و تولیت آن را معین و موارد مصرف را مشخص نماید و پس از احراز شرایط به عنوان قانونی شرعی و رسمی محسوب شود. این قانون که از تکریم انسان در اسلام حکایت دارد یک قانون ارجمند و گرمی است و کلیه شرایط مندرج در آن محترم و تغییر در آنها یا تغییر مصرف آنها جایز نیست و متناسب با نیت واقف باید صرف شود^{۱۸}. باید از طرق مختلف همچون صرف موقوفه مطابق نظر واقف زمینه ماندگاری نهاد وقف و نام واقفان را فراهم ساخت و به عنوان یک ارزش بالای اجتماعی به آن نگرست و به شدت از امحای این نام‌های نیکو ممانعت کرد تا میدان وسیعی برای افراد خیر و نیکوکار باز شود، اعتماد مردم جلب گردد و افراد متمکن جایگاه خاصی را برای امور عام‌المنفعه در نظر بگیرند.

وقتی از مسؤول یکی از دانشکده‌های دانشگاه سوربن فرانسه سؤال می‌شود که به چه دلیل در این دانشکده هیئت بطلمیوس که علم امروز اساس آن را برهم‌زده تدریس می‌شود می‌گوید هزینه تدریس این موضوع از موقوفه تأمین می‌گردد و اگر آن را تغییر دهیم واقفانی که می‌خواهند موقوفه آنها پایدار باشد دیگر به این کار رغبت نخواهند کرد و احتمال می‌دهند که با موقوفه آنها همین‌طور عمل شود^{۱۹}. بنابراین باید هر رقیبه عیناً به مصرفی برسد که واقف علاقه‌مند بوده نام او در

۱۷. سبنتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۳۴۳ و ۳۸۱.

۱۸. «گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امام‌جمارانی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱، ص ۵۶.

۱۹. شهیدی، جعفر، «نامه‌ای از استاد دکتر شهیدی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۲، صص ۶-۸.



در لبنان موقوفاتی است که از عواید آن هر روز دو نفر بر بالین بیماران در بیمارستان‌ها حاضر می‌شوند و در مورد بهبود بیمار نسبت به روز گذشته با هم نجوا می‌کنند تا بیمار با شنیدن سخنان تلقین‌کننده آنها احساس بهبودی نماید. در بیمارستان سلطان قلاوون در قاهره نیز که بخشی از هزینه‌های آن از موقوفات است گروه نمایشی با اجرای نمایش‌های طنز موجبات نشاط بیماران را فراهم می‌آورد. اختصاص ده درصد بیمارستان‌های بخش عمومی به بیمارستان‌های موقوفه در کشور ما نیز از وسعت موقوفات در این زمینه حکایت دارد.^{۲۱} شاید بتوان ده‌ها مورد انسانی و اجتماعی دیگر را از این دست برشمرد که در کشور ما و دیگر کشورهای اسلامی وجود داشته باشد. گفته می‌شود یکی از بزرگان ایران از راه قوچان عازم مشهد می‌گردد و در میان راه سرمای سخت موجب تلف شدن عده‌ای می‌شود او رقبه‌ای را برای خرید پوستین اختصاص می‌دهد که به زایران میان راه تحویل شود تا از سرما آسیب نبینند. کمک به خانواده زندانیان، تهیه سلاح برای مجاهدین، و حتی زیباسازی شهرها از جمله مواردی است که موقوفاتی به آنها اختصاص داشته است.^{۲۲}

می‌بینیم که بعد اجتماعی وقف که در آن غیرخواهی نهفته است دامنه گسترده‌ای دارد و تنها به مسجد و حسینیه منحصر نمی‌شود هر چند اهمیت این مکان‌های مقدس بر کسی پوشیده نیست. علاوه بر تقویت این دو بعد که در پسرکردن خلأهای اجتماعی نقش به‌سزایی خواهند داشت دولت باید جهت موقوفات را به سمت نیازهای ضروری جامعه هدایت کند و لزوم سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که بودجه دولتی تکافو نمی‌کند را خاطر نشان سازد. امروزه بدون شک بیکاری‌زدایی و اشتغال‌زایی که در فقدان آن تبعات خطرناک اجتماعی بروز می‌کند از مهم‌ترین دغدغه‌هاست که نیاز به سرمایه‌گذاری را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ایجاد ۳۸ میلیون شغل در طول برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کاری نیست که بدون سوق دادن سرمایه‌های مردمی که وقف از ماندگارترین آنهاست عملی باشد.

آن خصوص پاینده بماند مگر اینکه چنان مصرفی حقیقتاً متعذر باشد. این امر از لحاظ اجتماعی در گسترش موقوفات که در حل بسیاری از معضلات جامعه مؤثرند نقش فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد چرا که نهاد وقف را نیاز به جاودانه‌ماندن به وجود آورده و استمرار خواهد بخشید.

بعد دوم اجتماعی نهاد وقف که از زیبایی بیشتری برخوردار می‌باشد نوع دوستی، غیرخواهی و مردم‌گرایی است. در این بعد بهترین روابط انسانی حاکم می‌گردد و دیوارهای تنگ فردپرستی و بی‌تفاوتی نسبت به زندگی دیگران فرو می‌ریزد. این بعد وقف به قدری اهمیت دارد که به صرف مسلمانان محدود نمی‌شود و فقهای هم‌چون محقق حلی در کتاب *المختصر النافع بهره‌مندی کافران ذمی را هم از موقوفات جایز دانسته و حتی وقف مال مسلمان را خاص کافر بلاشکال می‌داند*^{۲۳}. این مضمون را شاید بتوان از آیه *﴿لَا يَنْهِيكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾* (ممتحنه: ۷) نیز استنباط نمود. فراموشی بودن نهاد وقف که مرزهای عقیده را نیز پشت سر می‌گذارد و همه انسان‌های نیازمند را از هر رنگ، نژاد، ملیت، مرام و مسلک تحت پوشش قرار می‌دهد و حالتی جهان‌شمول پیدا می‌کند از مصادیق تألیف قلوب است که در گسترش اسلام و کاشتن بذر انقلاب اسلامی در دل‌های ملل محروم جهان سرور بسیار مؤثر می‌باشد.

در جامعه اسلامی همه در قبال دیگر هم‌نوعان، خود را مسؤول دانسته و بهترین مردم نافع‌ترین آنها برای مردم معرفی شده است. نکته ظریف اجتماعی که بر اهمیت وقف می‌افزاید این است که چون بهره‌برداری‌کنندگان از منافع و عایدات موقوفات مستقیماً با واقف روبه‌رو نمی‌شوند باعث هیچگونه منت و تحقیری نخواهد شد و عزت افراد کاملاً محفوظ مانده و محترم شمرده می‌شود. قرآن هم در آیه ۲۷۰ سوره بقره با توجه به همین موضوع، کمک مخفی به نیازمندان جامعه را افضل و ارجح دانسته و می‌فرماید: *﴿أَنْ تَبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنَعَمَا هِيَ وَأَنْ تَخْفَوْهَا وَتُوْتَهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾*

۲۰. حلی، ابوالقاسم، همان، ص ۱۵۷.

۲۱. سلیمی‌فر، مصطفی، همان، صص ۱۴۷ و ۱۵۲.

۲۲. جناتی، محمدابراهیم، همان، ص ۴۹.

□ رویکرد اقتصادی

شاید متداولترین نقش وقف را بتوان در رویکرد اقتصادی آن مشاهده کرد. اگرچه این رویکرد با دیگر رویکردها بی‌ارتباط نیست اما نمونه موقوفاتی که در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز وجود داشته بیشتر در این قالب قرار می‌گیرد. حیطان سبعة یا باغ‌های هفت‌گانه که به وسیله مخیرق* در اختیار رسول خدا (ص) گذاشته می‌شود توسط آن حضرت در سال هفتم هجری به عنوان پشتوانه اقتصادی نظام اسلامی وقف می‌گردد.^{۲۳} جابر از نسبی اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «لم یکن من اصحابه ذومقدرة الا وقف وقفاً»^{۲۴} یعنی کسی از یاران او نبود که دارای توانایی مالی باشد و مقداری از آن را وقف ننماید. اصله‌های خرمایی که علی (ع) به دست خود غرس می‌نمود، چاه‌های آبی که پس از رسانیدن به مرحله بهره‌برداری «سبیل» می‌فرمود و مزرعه‌هایی** را که احداث و بر فقرا و نیازمندان وقف می‌کرد^{۲۵} همه نشان‌دهنده اهمیت وقف و امکان بهره‌برداری گسترده از این نهاد با رویکردی اقتصادی است.

از مهم‌ترین آثار اقتصادی وقف تحدید تکاثر است. وقف رویکردی است که بدون هرگونه اختلاف، درگیری و عدم رضایتی انتقال ثروت‌ها را در پی دارد که در عین حال که ترمزی بر تکاثر محسوب می‌شود جهشی به سوی رهایی بی‌نویان از فقر محکوم و نهایتاً تحقق عدالت اجتماعی است. اگرچه مالیات‌های اسلامی همچون خمس و زکات نیز نقش قابل توجهی در تأمین عدالت اجتماعی دارند اما امتیاز وقف در این است که واقفان تنها براساس وجدان دینی خود عمل می‌کنند بدون اینکه ملزم به این کار شده باشند و به ضمانت اجرایی در بیرون از فرد احتیاج داشته باشد^{۲۶}. به علاوه وقف برخلاف شیوه‌های دیگر انتقال ثروت (نظیر ارث و هبه و امثال آنها) عموماً افراد محتاج و امور عام‌المنفعه را دربرمی‌گیرد که عملاً در تأمین عدالت اجتماعی اثربخش‌تر خواهد بود. اسلام ضمن تشویق و ترغیب افراد به کار و تلاش و کوشش، راه‌هایی را نیز پیش‌بینی

کرده که مازاد ثروت اشخاص متمول در مسیری صحیح و به منظور پرکردن شکاف‌های اجتماعی جریان پیدا کند. هدف رویکرد اقتصادی وقف این است که سطح زندگی طبقات پایین اجتماع که نمی‌توانند نیازمندی‌های زندگی خود را بدون کمک دیگران رفع نمایند بالا بیاورد تا با اهل نعمت و ثروت قریب‌الافق شوند^{۲۷} و از فاصله طبقاتی کاسته شود. نظام اقتصادی اسلام نه چون برهمنان و بوداییان هندی از فقر و فقیرماندن پشتیبانی می‌کند و نه چون ثروت‌اندوزان و مادی‌گرایان، اندیشه داروینیسیم اجتماعی را می‌پذیرد. اسلام مروج و مبلغ امت وسط و تعادل در جامعه است.

وقف، تبدیل مالکیت خصوصی به نوعی از مالکیت عمومی است که بسط آن از ابزار مهم دستیابی به تعادل اجتماعی است. در نهاد وقف و مطلوبیت*** نهفته است^{۲۸} یکی نفس عمل بخشش، گذشت و ایثار که در واقف به ودیعه گذاشته می‌شود و از استغراق انسان در تعلقات مادی و مال‌اندوزی جلوگیری می‌کند، و دیگری لذتی است که فرد در نتیجه عمل نیک خود می‌بیند و نقش آن را در فقرزدایی جامعه انسانی و اسلامی مشاهده می‌کند. نهاد وقف از یک‌طرف مانند چتری بزرگ سایه خود را بر تمام نیازمندان و محرومان می‌گستراند و جامعه را از فقر و تهی‌دستی که عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی و اخلاقی و سستی در ارکان دینی است نجات می‌دهد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز در محیطی مملو از اخوت و حسن‌ظن که زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه است فراهم می‌آورد و از طرف دیگر بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مسأله تأمین اجتماعی و اقتصادی را به وسیله خود مردم به صورت خودجوش حل می‌کند و بار مالی این امور را تا حد زیادی از دوش دولت اسلامی برمی‌دارد^{۲۹}.

برخی معتقدند موقوفات که عمدتاً به ایجاد مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی اختصاص پیدا می‌کنند علاوه بر اینکه در شهرنشینی چوامع که از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است نقش قابل توجهی دارند به شهرها هم، نوعی برجستگی دینی،



* مخیرق قطعه شهدای جنگ احد است از احبار یهود بنی‌نضیر بوده که پس از مسلمان شدن در جنگ احد شرکت کرد و هنگامی که به سوی احد حرکت می‌نمود وصیت کرد بعد از من هفت قطعه باغ‌هایم از آن رسول خدا باشد. به نقل از سلیمی‌فر، مصطفی، همان، ص ۵۵.
۲۳. «گفتگو با آیت‌الله سیدحسن امامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۹-۲۰، ص ۷۹.
۲۴. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمة، ج ۱۰، ص ۶۱۳.
** علی (ع) قطعه زمینی را از عبدالرحمن بن سعد انصاری به سیصد هزار درهم خرید و مزرعه‌ای در آن درست کرد و بر این سبیل و نیازمندان وقف نمود. به نقل از سلیمی‌فر، مصطفی، همان، ص ۶۰.
۲۵. «وقف در ترکیه»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ص ۶۲.
۲۶. سلیمی‌فر، مصطفی، همان، ص ۱۶۹.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۵۳۷.
*** utility.
۲۸. اقبالی، علی‌رضا، «وقف و الگویی برای ارزیابی اقتصادی آن»، ماه‌نامه حسابدار، ش ۱۳۰، ص ۷۰.
۲۹. سلیمی‌فر، مصطفی، همان، ص ۱۴۸.



جاودانگی می‌گیرند^{۳۳} و در زمره باقیات‌الصالحات قلمداد می‌شوند*.

□ رویکرد فرهنگی

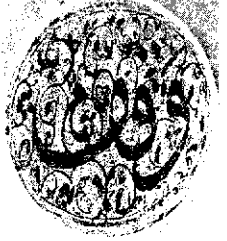
مروری بر موقوفات نشان می‌دهد که بخش معتابهی از آنها به مراکز علمی و آموزشی همچون دانشگاه‌ها، مدارس، مراکز تحقیقاتی و... اختصاص دارد که از رویکرد فرهنگی نهاد وقف حکایت می‌کند. در گذشته بسیاری از این مراکز از طریق موقوفات اداره می‌شد و تعداد زیادی از اقشار کم‌درآمد جامعه که برخی از استعدادها و درخشانی هم برخوردار بودند و به علت نداشتن امکانات قادر به تحصیل نبودند به این مدارس و مراکز وارد می‌شدند و خیلی از بزرگان ما از میان همین طبقه شریف و محروم و در همین مراکز رشد کرده و مدارج بالای علمی را طی نموده‌اند. بی‌تردید یکی از رسالت‌های مهم رسانه‌های جمعی ترویج این حرکت خداپسندانه و مردم‌گرایانه است. موضوع وقف می‌تواند دستمایه آثار هنری فراوانی از قبیل داستان‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی قرار بگیرد تا رفته‌رفته این فرهنگ رواج یابد، تفکر فردگرایانه محدود و محصور شود و تفکر در سرنوشت و زندگی دیگران گسترش یابد.

زمانی که در قرن هفتم هجری چنگیز در مغولستان سر برآورد و یک زندگی مبتنی بر جنگ و خونریزی، چپاول و خرافات را به ارمغان آورد در ایران ملتی با سابقه تاریخی مهمی در فرهنگ، تمدن و تدین به سر می‌برد که قرون تابنده و پرتکاپویی را پشت سر گذاشته بود. در سراسر این مرز و بوم صدها مدرسه با ده‌ها عالم و متفکر برجسته وجود داشت که هزاران طالب علم در آنها به دانش‌پژوهی مشغول بودند. به‌صحنه آمدن دولت مردان دانشمند و فرزانه ایرانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، خاندان جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و امثالهم حرکتی مضاعف را بر ادامه حیات محافل علمی به دنبال داشت و زمینه را برای توسعه و پیشرفت علم و دانش در ابعاد مختلف و انتقال آن به نسل‌های بعدی فراهم آورد. آنچه بیشتر بر اهمیت موضوع می‌افزاید این است که اکثریت قریب به اتفاق این

تاریخی و اقتصادی خواهند بخشید^{۳۴}. دولت اسلامی می‌تواند موقوفات عمومی را به‌گونه‌ای سازماندهی و جهت‌دهی نماید که به عنوان یک منبع مالی بتوان از آنها برای از بین بردن فقر و محرومیت، تأمین بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و ده‌ها مورد دیگر استفاده کرد و زمینه توسعه اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را فراهم ساخت^{۳۵}. درآمد موقوفات معمولاً از راه اجاره است یعنی رقبات وقفی به اجاره داده می‌شود و اجاره‌بهای آنها عواید موقوفه محسوب می‌گردد. متأسفانه در گذشته روابط استیجاری بین مستأجرین و رقبات وقفی روابط کاملاً یک‌طرفه‌ای بوده به‌طوری‌که گاهی میزان اجاره‌بها کمتر از یک‌دهم و در مواردی کمتر از یک‌پنجاهم اجاره عادلانه است^{۳۶} که در این صورت نمی‌تواند نقش مورد انتظار را در مسایل اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. از این‌رو چه بسا بازنگری در اجاره‌بهای موقوفات توسط دولت به منظور تأثیرگذاری بیشتر آنها در روند توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی اجتناب‌ناپذیر باشد.

به هر حال بحث فقرزدایی، کارآفرینی و تحقق عدالت اجتماعی اگر بخواهد پوششی فراگیر داشته باشد صرفاً با اتکا به منابع دولت امکان‌پذیر نخواهد بود و راهی جز توجه جدی به راه‌حل‌های مردمی وجود ندارد. شاید حدود هزار آیه در قرآن مجید به صرف اموال به منظور رفع فقر فردی و اجتماعی توصیه می‌کند و در هفتاد آیه از اتفاقات نام برده است. وقف که از مصادیق بارز اتفاق است این زمینه را فراهم می‌آورد که بخش مهمی از شکاف‌های طبقاتی به وسیله مردم مرتفع شود و مالکیت‌های خصوصی به‌طور حساب‌شده و با برنامه‌ریزی و در عین حال داوطلبانه به سمت مصالح عمومی هدایت گردد. مال و بنون (فرزندان) که در آیه ۴۶ سوره کهف زینت زندگی دنیوی خوانده شده همان نیروی اقتصادی و نیروی انسانی است که چونان شکوفه‌ها و گل‌هایی هستند که بر شاخه‌های درخت حیات آشکار می‌شوند اما زودگذر و کم‌دوامند و تنها از طریق قرار گرفتن در مسیر الهی (مانند وقف) رنگ

۳۰. املرز، اکارت، «موقوفات دینی و شرق اسلامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ص ۵۲.
 ۳۱. جناتی، محمدابراهیم، همان، ص ۵۱.
 ۳۲. «گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امام جمارانی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱، ص ۵۶.
 ۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۴۴۵.
 ۳۴. «المال و البنون زینة الحیوة الدنیا و الباقیات‌الصالحات خیر عند ربک شواباً و خیر اماً»



مدارس و مراکز آموزشی بر بنیاد موقوفات نهاده شده بود و با پشتوانه مادی آنها اداره می‌شد.^{۳۴} هنگامی که پس از رحلت شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) زعامت و مرجعیت شیعه به شاگردان او سیدرضی (۳۵۹-۴۰۶ق) و برادرش سیدمرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) که علامه حلی او را معلم شیعه خوانده است منتقل شد هر دو عالم دینی مدتی مدیریت اوقاف را عهده‌دار بوده که این خود، رویکرد فرهنگی نهاد وقف را بیشتر خاطر نشان می‌سازد.

امروزه نیز در جمهوری اسلامی ایران عواملی از قبیل تغییر سازمان تشکیلاتی سازمان اوقاف و اداره آن تحت نظر ولی فقیه، نه تنها بر بعد فرهنگی آن تأکید دارد بلکه آن را به ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی هم تسری بیشتری بخشیده است. همچنین تصویب قوانین لازم در جهت احیای موقوفات، رعایت احکام وقف و مسایل شرعی آن و عمل دقیق به مفاد وقف‌نامه‌ها که اساس نامه چگونگی تحصیل درآمدها و صرف آنها موافق نظر واقف است موجب شده تا افراد خیر با اطمینان زیادتری در این امر مهم به طور گسترده مشارکت نمایند و بخشی از دارایی خود را به عنوان الباقیات‌الصالحات وقف مصالح جامعه اسلامی کنند. آمار نشان می‌دهد که شمار موقوفات پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش چشمگیری داشته که از لحاظ نوع اهداف و نیات واقفان نیز حایز اهمیت و قابل تأمل است چرا که مصارف این موقوفات در اکثر موارد در جهت رفع نیازهای ضروری جامعه اعم از نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بوده و مشکلی از مشکلات اساسی جامعه را حل کرده است.^{۳۵}

رویکرد فرهنگی نهاد وقف در ترکیه مواردی نظیر تئاترهای دولتی، سوادآموزی، آموزش زبان انگلیسی، توسعه مهدکودک‌ها و ایجاد خوابگاه‌های دانشجویی را نیز در برمی‌گیرد. سه کتابخانه تاریخی و بااهمیت ترکیه با ده‌ها هزار جلد کتاب ارزشمند خطی و چاپی هم‌اکنون تحت مدیریت اوقاف است. همین‌طور چهار موزه (موزه قالی سلطان احمد در استانبول، موزه آثار خطی تمدن ترک-اسلام در استانبول، موزه هنرهای اسلامی فاتح در استانبول و موزه آثار عرفانی مولانا در قونیه) به وسیله

اوقاف این کشور اداره می‌شود و هزینه طبع و توزیع ۲۸ نشریه نیز از محل موقوفات تأمین می‌گردد. دو بانک نیز در ترکیه متعلق به مدیریت اوقاف است.^{۳۶}

۱. بانک اوقاف که در مقوله‌های فرهنگی همچون انتشارات فعالیت گسترده‌ای دارد با همکاری سفارتخانه‌های خارجی، فعالیت‌های فرهنگی مختلفی را مانند برگزاری سمینارها و نمایشگاه‌ها توسعه می‌دهد و به طور متوسط ماهانه دو نمایشگاه هنری دارد. برخی از گروه‌های تئاتر و نمایش نیز تحت پوشش این بانک هستند. بانک اوقاف در خصوص ساخت فیلم سرمایه‌گذاری عظیمی کرده و مسابقات بزرگ فرهنگی و انتخاب معلم نمونه هم هر سال به وسیله این بانک صورت می‌پذیرد.

۲. بانک املاک که این بانک نیز علاوه بر موارد قبلی در ارتباط با حفظ میراث فرهنگی و آثار باقیمانده از تمدن دوره‌های پیشین، ترمیم، بازسازی و نوسازی آثار گذشته و احیای فرهنگ قومی فعالیت دارد.

برخی از موارد فوق می‌تواند در رویکرد فرهنگی وقف در کشور ما نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا زمینه گسترش عرصه فرهنگی موقوفات بیش از پیش فراهم آید. چه بسا ایجاد رشته‌ای دانشگاهی تحت عنوان اوقاف نیز به بهره‌برداری بهتر و علمی‌تر و جهت‌دهی مناسب‌تر سرمایه‌های عظیمی که از طریق نهاد وقف رنگ جاودانگی می‌گیرند کمک نماید و در فرهنگ‌سازی این حرکت خداپسندانه و مردم‌گرایانه مؤثر واقع شود. در آیه «فأما من اعطى و اتقى و صدق بالحسنى فسنيسره لليسرى» (لیل: ۷) نیز کمک‌هایی که با نیاتی نیکو اعطا می‌شود نه تنها رفاه و آسایش اجتماعی را به همراه خواهد داشت آینده و فرجامی دور از سختی و مشقت را برای معطی (واقف) نیز رقم خواهد زد.

□ نتیجه‌گیری

وقف که در آن اصل مال یا ملک می‌ماند و منافع و عواید آن در امور عام‌المنفعه مصرف می‌شود کار نیکویی است که در ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی نقش فراوانی دارد. نهاد وقف در ادوار گذشته نیز وجود داشته و پس از اسلام با تأثیرپذیری از جهان‌بینی اسلامی به

۳۴. عباسی، جواد، «مدارس عصر ایلخانی: پیوند دانش و وقف»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، صص ۷۴ و ۷۵.
۳۵. «موقوفات جدید»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۱-۱۲، ص ۱۰۷.
۳۶. «وقف در ترکیه»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ص ۶۲.



به شهرها نوعی برجستگی دینی، تاریخی و اقتصادی خواهد بخشید و توسعه را همراه با عدالت اجتماعی به ارمغان خواهد آورد.

منابع و مأخذ

۱. اقبالی، علی‌رضا، «وقف و الگویی برای ارزیابی اقتصادی آن»، ماهنامه حسابدار، ش ۱۳۰، ۱۳۷۸.
۲. اهلز، اکارت، «موقوفات دینی و شرق اسلامی»، (ترجمه مصطفی مؤمنی و محسن حسن ضیاء توانا)، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ۱۳۷۴.
۳. جناتی، محمدابراهیم، «وقف از دیدگاه مبانی اسلامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۵، ۱۳۷۳.
۴. حلی (معروف به محقق حلی)، ابوالقاسم، المختصر النافع، کتاب الوقوف و الصدقات و الهبات، قاهره، انتشارات دارالکتب العربی، ۱۳۷۶ق.
۵. حلی، ابوالقاسم، تبصرة المتعلمین، (ترجمه ابوالحسن شعرانی)، تهران، بی‌تا.
۶. سالک، محمدتقی، «سخنی درباره وقف»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۲، ۱۳۷۲.
۷. سینتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، انتشارات اداره کل اوقاف استان اصفهان، ۱۳۶۶.
۸. شهیدی، جعفر، «نامه‌ای از استاد دکتر شهیدی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۲، ۱۳۷۲.
۹. شیروانی، رضا، «وقف در میان ملت‌های جهان و مذاهب اسلامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۵، ۱۳۷۳.
۱۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، (ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی)، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۱. فیض، علی‌رضا، «وقف و انگیزه‌های آن»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۴، ۱۳۷۲.
۱۲. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۱۳. عباسی، جواد، «مدارس عصر ایلخانی: پیوند دانش و وقف»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰، ۱۳۷۴.
۱۴. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، ج ۱۰، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
۱۶. «موقوفات جدید»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۱-۱۲.
۱۷. «وقف در ترکیه»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۰.
۱۸. «گفتگو با آیت‌الله سیدحسن امامی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱۹-۲۰، ۱۳۷۶.
۱۹. «گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امام جمارانی»، فصل‌نامه میراث جاویدان، ش ۱، ۱۳۷۲.

صورت استوار و جهت‌دار مطرح می‌شود و همچون چشمه‌سار غیرخواهی خدایستدانه و مردم‌گرایانه در زمینه‌های مختلف به جریان خود ادامه می‌دهد. در رویکرد اجتماعی وقف علاوه بر ماندگاری نام واقف و موقوفات او، دیوارهای تنگ فردگرایی فرومی‌ریزد و بعد غیرخواهی و مردم‌گرایی به قدری گسترش می‌یابد که مرزهای عقیده و ملیت را نیز پشت سر می‌گذارد. احساس مسؤولیتی خودجوش و به دور از هرگونه الحاح و اجبار در قبال تأمین محترمانه رفاه نسبی دیگر هموعان و مصداق «خیر الناس اشفع الناس» در این رویکرد نهاد وقف عینیت پیدا می‌کند. همچنانکه در صدر اسلام نیز مسبوق است بسیاری از موقوفات نه تنها به عنوان پشتوانه اقتصادی نظام اسلامی محسوب می‌شوند بلکه در تحدید تکاثر، کم‌کردن فاصله طبقاتی و نهایتاً تأمین عدالت اجتماعی نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. واقعی‌کردن اجاره‌بهای موقوفات، حذف کامل مالیات بر موقوفات و سازماندهی و جهت‌دهی آنها به سمت نیازهای ضروری جامعه مانند اشتغال، بر اثربخشی نهاد وقف خواهد افزود.

رویکرد فرهنگی وقف در احداث و اداره ده‌ها مرکز آموزشی و تحقیقاتی و تعلیم و تربیت تعداد فراوانی از مردم به خصوص اقشار آسیب‌پذیر جامعه از طریق نهاد وقف، می‌تواند دستمایه آثار هنری زیادی از قبیل داستان‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی قرار بگیرد تا رفته‌رفته این فرهنگ رواج یابد، تفکر فردگرایانه محدود و محصور شود و تفکر در بهبود شرایط زندگی دیگران گسترش پیدا کند. شاید ایجاد رشته‌ای دانشگاهی تحت عنوان اوقاف نیز به بهره‌برداری بهتر و علمی‌تر و جهت‌دهی مناسب‌تر سرمایه‌های عظیمی که به وسیله نهاد وقف رنگ جاودانگی می‌گیرد کمک نماید.

در مجموع با نهاد وقف که در آن مالکیت خصوصی به نوعی مالکیت عمومی تبدیل می‌شود مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی ایجاد می‌گردند علاوه بر آنکه در شهرنشینی جوامع که از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است نقش قابل توجهی دارند